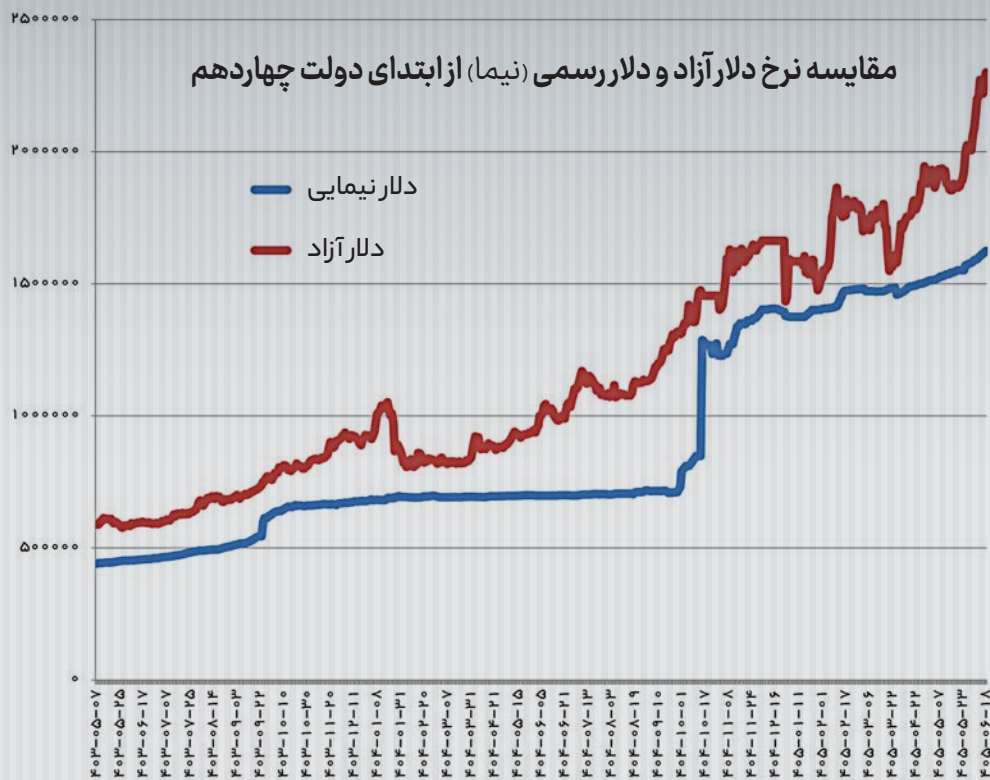
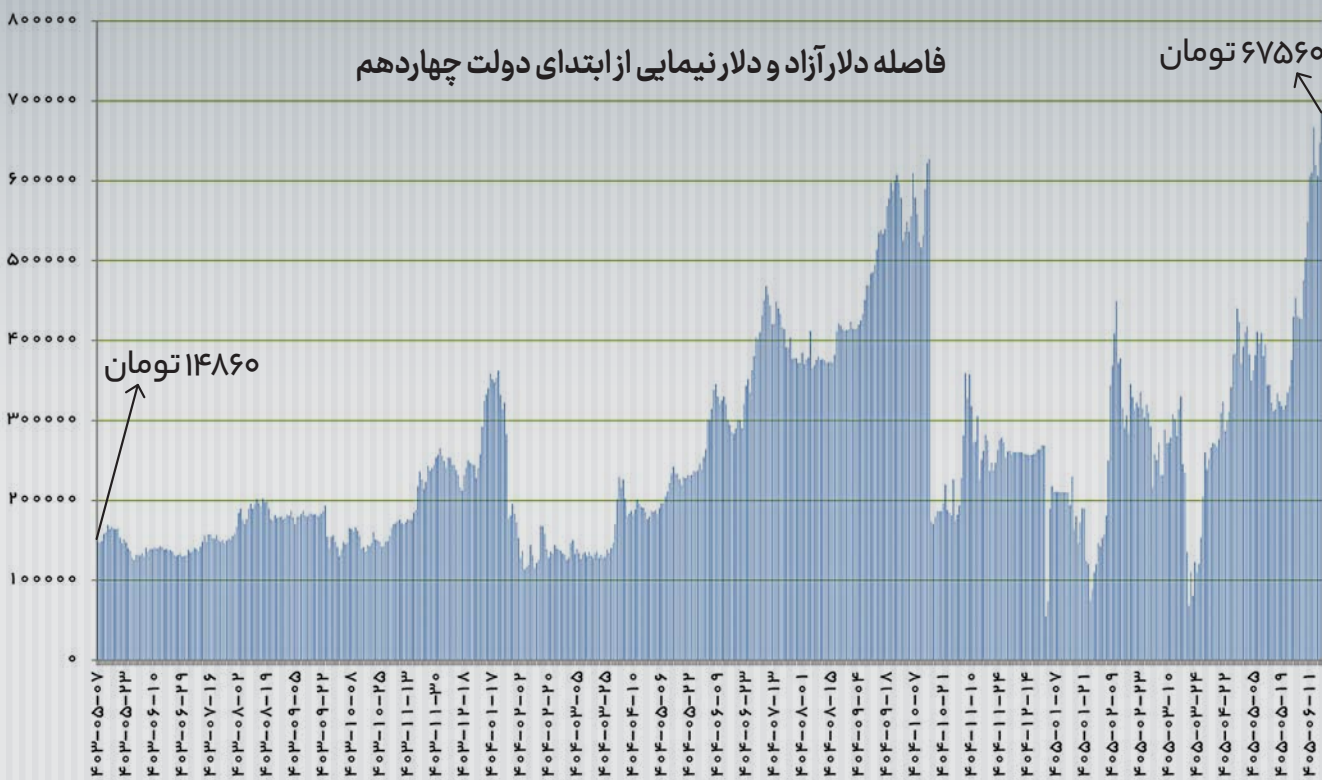


شکست سیاست تک‌نرخ‌ی کردن ارز

در پایان دولت شهید رئیسی و شروع به کار دولت پزشکیان فاصله دلار نیمایی و دلار آزاد کمتر از ۱۵ هزار تومان بود که اکنون به حدود ۶۸ هزار تومان افزایش یافته و بیش از ۴ برابر شده است.



❏ رهاسازی بازار ارز تحت لوای نام‌های خوش آب و رنگی همچون یکپارچه‌سازی نرخ ارزی یا حذف رانت ارز ترجیحی در دولت مسعود پزشکیان، نتیجه‌ای جز وضعیت فعلی نداشته که قیمت دلار به بیش از ۲۳۰ هزار تومان رسیده است. اکنون دیگر به راحتی می‌توان قضاوت کرد که پیش‌بینی‌های اقتصاددان‌هایی همچون دکتر حسین صمصامی از ۲ سال قبل کاملاً درست بود؛ آنها به پزشکیان بارها هشدار دادند که سیاست ارزی عبدالناصر همتی عاقبتی جز گرانی روزافزون دلار و تضعیف ارزش پول ملی و تحمیل شدیدترین تورم به مردم نخواهد داشت اما کسی به هشدارهای آنها گوش نکرد.

عبدالناصر همتی از شروع دولت پزشکیان که وزیر اقتصاد بود تاکنون که رئیس بانک مرکزی است، شعار اصلی خود را کاهش فاصله نرخ ارز رسمی (نیما) و نرخ ارز بازار آزاد اعلام کرده است. وعده همتی این بود: قیمت دلار نیما را بالا می‌بریم و دلار آزاد را هم کاهش می‌دهیم تا

این دو نرخ به یکدیگر نزدیک شوند و رانت از بین برود. همتی مدعی بود که فاصله نرخ ارز نیمایی با ارز آزاد موجب فساد و رانت، سفته‌بازی، کاهش صادرات نفتی، افزایش واردات و خروج سرمایه می‌شود. در پایان دولت شهید رئیسی و شروع به کار دولت پزشکیان فاصله دلار نیمایی و دلار آزاد کمتر از ۱۵ هزار تومان بود. در ۷ مرداد ۱۴۰۳ که پزشکیان رسماً سکان ریاست جمهوری را بر عهده گرفت قیمت دلار نیمایی ۴۴ هزار تومان و دلار آزاد ۵۸ هزار و ۹۶۰ تومان بود. همتی در آن مقطع مدعی بود که این فاصله باید هر چه سریع‌تر کاسته شود چون رانت دارد. به همین منظور دولت پزشکیان سیاست افزایش نرخ ارز نیمایی را در پیش گرفت و روز به روز بر قیمت ارز نیما افزوده شده به این خیال که قیمت دلار آزاد، ثابت می‌ماند و فاصله این دو نرخ، کم می‌شود. دی‌ماه سال گذشته، همتی بلافاصله پس از تصدی ریاست بانک مرکزی، به بهانهٔ تک‌نرخ‌ی کردن قیمت دلار، نرخ ارز

نیما را از ۸۴ هزار تومان به ۱۲۸ هزار تومان افزایش داد. اما برخلاف ادعای همتی، هر چه نرخ ارز رسمی (نیما) افزایش پیدا کرد، نرخ ارز آزاد با سرعت بیشتری گران شد و فاصله این دو نرخ بیشتر هم شد و نتیجه آن تحمیل بالاترین تورم ۸۲ سال اخیر به مردم بود. اکنون که بیش از ۲ سال از دولت پزشکیان گذشته، آمارها نشان می‌دهد سیاست ارزی همتی کاملاً شکست خورده است. در شرایط فعلی نرخ دلار در بازار آزاد بیش از ۲۳۰ هزار تومان و دلار نیمایی ۱۶۲ هزار تومان است. یعنی فاصله دلار نیمایی و آزاد به حدود ۶۸ هزار تومان رسیده در حالی که در پایان دولت شهید رئیسی کمتر از ۱۵ هزار تومان بود. بنابراین اگر به ادعای همتی در دولت شهید رئیسی هریک میلیارد دلار تخصیص ارز نیمایی موجب رانت ۱۵ هزار میلیارد تومانی می‌شد اکنون در دولت پزشکیان هریک میلیارد دلار تخصیص ارز نیمایی بیش از ۶۸ هزار میلیارد تومان رانت ایجاد می‌کند.

خبرگزاری تسنیم

همتی: قیمت دلار نیما را بالا و دلار آزاد را پایین می‌آوریم

۲۰ شهریور ۱۴۰۳ - ۰۹:۳۸ | اخبار اقتصادی | اخبار پول ارز | بانک

همتی: فاصله قیمت دلار نیمایی با بازار را کم می‌کنیم

کد خبر: ۱۷۴۳۳۳ سه شنبه، ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ - ۱۱:۲۰:۳۱ ۵۱۹۴ بازدید

وزیر اقتصاد گفت: قیمت دلار نیما را بالا می‌بریم و دلار آزاد را هم کاهش می‌دهیم تا این دو نرخ به یکدیگر نزدیک شوند.

کد خبر: ۸۲۱۷۴۱ تاریخ انتشار: ۲۴ - ۲۱ - ۰۹ مهر ۱۴۰۳

همتی، وزیر اقتصاد: اختلاف ارز نیمایی و آزاد باید به حداقل برسد

عبدالناصر همتی وزیر امور اقتصادی و دارایی دوشنبه شب نهم مهر ۱۴۰۳ در حاشیه نخستین جلسه شورای دولت چهاردهم و بخش خصوصی اظهار داشت: اکنون اختلاف ارز نیمایی و آزاد توجه ندارد و بسیار زیاد است.

زیر آتش موشک‌های ایران

❏ صبح چهارشنبه موج جدید عملیات موشکی ایران پایگاه‌های آمریکا را در اردن به تلافی حملات تجاوزکارانه ارتش تروریستی این کشور به نفتش‌های ایرانی هدف قرار داد.

روابط عمومی سپاه پاسداران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: به تلافی حمله متجاوزانه رژیم آمریکا به نفتش‌های ایرانی، رزمندگان قدرتمند دلاور و جان‌برکف نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات تنبیه متجاوز، پایگاه آمریکایی الازری اردن را زیر ضربات سهمگین موشکی خود قرار دادند. همچنین نیروی دریایی سپاه، تعداد ۲ فروند شناور آمریکایی و تعداد ۸ نفتکش را در این منطقه مورد هدف قرار داد و خسارت‌های زیادی به آنها وارد کرد. رسانه‌ها گزارش دادند که تلفات مستقیم در یک پایگاه نظامی آمریکایی در اردن پس از عملیات موشکی ایران روی داده است.

در همین حال روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال در گزارشی نوشت: حملات ایران نگرانی‌ها را در واشنگتن برانگیخته است، زیرا این کشور

از موشک‌های پیشرفته‌تری استفاده می‌کند که قادر به هدف قرار دادن کشتی‌های در حال حرکت هستند. تصاویری از یک انفجار در آب‌های خلیج فارس، که به نظری می‌رسد مربوط به هدف قرار دادن کشتی‌های آمریکایی توسط نیروی دریایی سپاه پاسداران است، منتشر شده است. در همین حال ارتش اردن مدعی رهگیری موشک‌های ایرانی شده اما تصاویر منتشر شده و شواهد تکمیلی نشان می‌دهند که ارتش اردن در مورد ادعای رهگیری موشک‌های ایرانی که پایگاه‌های آمریکایی را هدف قرار داد، دروغ گفته است. تصاویر منتشر شده لحظه اصابت موشک‌های ایرانی به‌طور دقیق و مستقیم به پایگاه نظامی آمریکایی را در اردن نشان می‌دهد. رسانه‌ها از وقوع آتش‌سوزی در بندر الوکره قطر خبر می‌دهند. قطر ضمن تأیید این آتش‌سوزی اعلام کرد: آتش‌سوزی بر روی یک کشتی در بندر الوکره گزارش شد؛ هیچ مورد آسیب‌دیدگی وجود نداشت و آتش مهار شده است.



دولت وفاق کارهای مهمتری از کنترل تورم و گرانی دارد. مثلاً با دستور مستقیم آقای پزشکیان، به زودی سردار آزمون به تیم ملی بازمی‌گردد.

با توجه به گرانی شدید قیمت دلار، چرا دولت برنامه‌ای برای مهار بازار ارز ندارد؟





انتقاد از تلاش دولت برای قبضه مراکز درمانی تأمین اجتماعی

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در واکنش به صحبت‌های اخیر رئیس‌جمهور گفت: سازمان برنامه و بودجه در همه دولت‌ها، به شیوه‌ای عمدانه بدهی تأمین اجتماعی را پرداخت نمی‌کنند تا به مرور، ابتدا مدیریت بخش درمان تأمین اجتماعی را پس بگیرند و با پس گرفتن مراکز درمانی ما، به تدریج مالکیت آن را نیز در اختیار خود بگیرد. اما این نیت، به شدت برای خود دولت آسیب‌زاست و هرگز هم به سرانجام نمی‌رسد!

به گزارش ایلنا، پس از افزایش انتقادات از وضعیت درمان سازمان تأمین اجتماعی و تشدید معضلاتی چون «کاهش خدمات بیمه تکمیلی»، «گرانی دارو و حذف ارز ترجیحی» و همچنین «کندی و بی‌کیفیتی خدمات درمانی مراکز ملکی»، مقامات مختلف در قوه مجریه و مقننه به صرافت پیگیری مشکلات این بخش افتادند. در همین راستا، هفته گذشته جلسه بررسی مطالبات نظام سلامت از بیمه‌ها با حضور رئیس‌جمهور در سازمان برنامه و بودجه، با حضور وزرای کار و بهداشت برگزار شد.

پزشکیان در این جلسه، ضمن انتقاد از عدم پرداخت مطالبات نظام سلامت توسط بیمه‌های مختلف (و از جمله سازمان تأمین اجتماعی)، تغییر ساختار مدیریت درمان تأمین اجتماعی و تبدیل کردن بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های ملکی آن را خواستار شد. او همچنین خواهان کنترل مراکز درمانی تحت تسلک سازمان تأمین اجتماعی البته با مدیریت دولت و وزارت بهداشت شد و گفت: «سازمان تأمین اجتماعی باید تا حد امکان از بیمارستان داری و مدیریت مستقیم مراکز درمانی فاصله بگیرد و مدیریت این مراکز را واگذار کند، در حالی‌که مالکیت آن‌ها همچنان در اختیار سازمان تأمین اجتماعی باقی بماند.» در واکنش به این اظهارنظر حسن صادقی (رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و عضو کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران) ضمن نقد کلیت تصور رئیس‌جمهور از وضعیت نظام درمان، از ایده یکپارچه‌سازی خدمات درمانی انتقاد کرد و گفت: صحبت آقای رئیس‌جمهور در ارتباط با سیاست یکپارچگی خدمات درمانی کشور موضوع جدیدی نیست و ایشان در زمانی که وزیر بهداشت بودند نیز بر همین سیاست تأکید داشتند و به دنبال ادغام همه بخش‌های درمانی کشور در وزارت بهداشت بودند. وی افزود: پاسخ ما معمولاً این بود که اگر مدیریت بخش دولتی و وزارت بهداشت بر مراکز درمانی قابل قبول است، چرا فقط ادغام از سوی سازمان تأمین اجتماعی انجام شود و مدیریت مراکز درمانی بخش خصوصی به وزارت بهداشت واگذار نشود؟ مشکل ما با دولت این است که وقتی ما بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی از طلبمان نگوئیم، به مرور دولت از ما طلبکار می‌شود! آقای رئیس‌جمهور قبل از طرح موضوع بدهی بیمه‌ها به نظام سلامت، باید توسط مشاوران خود توجه‌شود؛ دولت ۱.۵ تریلیون تومان (۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان) به تأمین اجتماعی بدهکار است. اگر رئیس‌جمهور در این مورد توجه‌شود، آنگاه می‌فهمد که چرا بیمه تأمین اجتماعی به نظام سلامت بدهکار است.

او ادامه داد: باید بپذیریم ناکارآمدی امروز درمان در تأمین اجتماعی ناشی از عملکرد مالی دولت‌هاست. بدعهدی همه دولت‌ها در پرداخت بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی موجب شده امروز مشکلات متعددی در مراکز درمانی ملکی تأمین اجتماعی داشته باشیم. این ناکارآمدی نیز ناشی از عملکرد دولت است؛ بدهی سنگین دولت پرداخت نشده است.

صادقی اضافه کرد: ما دو خواسته از آقای پزشکیان داریم. یکی اینکه قانون الزام مصوب سال ۱۳۶۸ را در آن درمان رایگان تأمین اجتماعی به خود این سازمان سپرده شده، دقیق بخواند و دوم اینکه تاریخ را بررسی کند تا بفهمد چرا در دهه شصت، بار درمان تأمین اجتماعی از روی دوش وزارت بهداشت برداشته شد و پس از آنکه درمان توسط خود سازمان در مراکز ملکی انجام شد، وضعیت درمان ما کارگران در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ چگونه بود؟ درواقع ناکارآمدی بخش درمان وزارت بهداشت موجب این انتقال شد و در دوره بعد از انتقال، ما بهترین وضعیت ارائه خدمات درمانی را داشتیم؛ حتی پزشکان برای ورود به لیست استخدام تأمین اجتماعی صف می‌کشیدند.

این فعال حقوق بازنشستگان تصریح کرد: فقط کافی است بخش اندکی از بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی را به بهبود مراکز ملکی سازمان اختصاص دهیم، آنگاه خواهیم دید که مراکز ملکی ما عملکرد بهتری دارند یا مراکز دانشگاهی و دولتی وزارت بهداشت. اتفاقاً مدیران سازمان تأمین اجتماعی در حوزه درمان به شدت کارآمد هستند، آن‌چنان که با کمترین منابع مالی مراکز ملکی درمان این سازمان را حفظ کرده‌اند. اگر آن‌ها هم مثل مراکز درمانی دانشگاهی و دولتی، به بودجه دولتی وصل بودند، نشان می‌دادند که چطور مثل دهه‌های هفتاد و هشتاد، کارآمدتر از مدیران زیر نظر وزارت بهداشت هستند.

از مشاورین و معاونین رئیس‌جمهور می‌دانیم که باعث انحراف ذهنیت ایشان از آنچه که باید عمل شود، شده‌اند. بخشی از ناکارآمدی البته ناشی از عدم پرداخت سهم ۹/۱ بیست و هفتم حق بیمه افراد به بخش درمان توسط مدیران سازمان است؛ قصوری که باعث می‌شود منابع در مراکز ملکی سازمان تأمین اجتماعی تزییق نشود و به دلیل بروز برخی مشکلات، ایده ادغام درمان تأمین اجتماعی در بیمه سلامت توسط عده‌ای مطرح گردد. امروز درمان تأمین اجتماعی ۳۷۰ هزار میلیارد تومان از حوزه بیمه‌ای بهداشتار است و دولت بدون توجه به بدهی خود، سازمان را در بودجه سالانه به‌دکار تلقی کرده است. عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران در پایان تأکید کرد: ما البته نیت‌های پشت این جهت‌دهی به رئیس‌جمهور را می‌دانیم. سازمان برنامه و بودجه در همه دولت‌ها، به شیوه‌ای عمدانه بدهی تأمین اجتماعی را پرداخت نمی‌کنند تا به مرور، ابتدا مدیریت بخش درمان تأمین اجتماعی را پس بگیرند و با پس گرفتن مدیریت مراکز درمانی ما، به تدریج مالکیت آن را نیز در اختیار خود بگیرد. اما این نیت، به شدت برای خود دولت آسیب‌زاست و هرگز هم به سرانجام نمی‌رسد!

خرید ملک ایرانی‌ها در ترکیه که پس از مشوق‌های تابعیتی این کشور و تشدید تحریم‌ها به اوج تاریخی رسیده بود، حالا وارد مسیر معکوس شده است؛ به طوری که خرید ایرانی‌ها در ۷ ماهه نخست سال ۲۰۲۶ به ۹۶۳ فقره رسیده که نسبت به اوج سال ۲۰۲۲ حدود ۸۴ درصد کاهش نشان می‌دهد و هم‌زمان جذابیت بازار مسکن ترکیه برای سرمایه‌گذاران خارجی نیز به شدت افت کرده است.

اواخر دهه ۸۰ شمسی خرید ملک توسط ایرانی‌ها ابتدا در دیی و سپس در ترکیه و قبرس حسابی سروصدا کرد. این خریدها در ابتدا چندان پرسروصدا نبود اما با ورود حجم عظیم تبلیغات در شبکه‌های ماهواره‌ای، یک فضای رؤیایی برای سرمایه‌گذاری در این کشورها برای ایرانیان ترسیم شد که بسیاری از افراد بدون توجه به مخاطرات آن، وارد گرنه‌های سرمایه‌گذاری می‌شدند. نگاهی به گزارش‌های مرکز آمار ترکیه نشان می‌دهد از سال ۲۰۱۳ داده‌های خرید ملک ایرانی‌ها در دسترس است. این داده‌ها نشان می‌دهد خرید ملک ایرانی‌ها در این کشور در چند مقطع نوسانات قابل توجهی داشته که در نقطه مهم آن، جهش پس از سال ۲۰۱۸ و افت محسوس از سال ۲۰۲۴ به بعد است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد خرید ملک ایرانی‌ها در ترکیه در ابتدا ناشی از سیاست‌های تشویقی این کشور بوده است. ترکیه، سال ۲۰۱۸ برنامه جذب سرمایه خارجی از مسیر بازار مسکن، اقامت و تابعیت را تقویت کرد؛ سیاست‌هایی که انگیزه خرید را به طور محسوسی افزایش داد. هم‌زمان با آن، اقتصاد ایران نیز با تشدید تحریم‌ها، کاهش ارزش پول ملی، تورم، نااطمینانی و محدودیت دسترسی به بازارهای بین‌المللی مواجه شد.

در چنین شرایطی، خرید ملک در ترکیه برای بخشی از صاحبان سرمایه به ابزار حفظ ارزش دارایی و خروج سرمایه تبدیل شد. علاوه بر این، نباید تحولات بخش تجارت را نادیده گرفت. فعالیت تراستی‌ها، وجود حجم بالای کمک‌اظهاری و بیش‌اظهاری‌ها و دشواری انتقال رسمی منابع، بخشی از منابع ارزی کشور را از مسیر تجارت به بازار املاک ترکیه روانه کرد. البته بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها نیز با هدف دور زدن محدودیت‌های ناشی از تحریم انجام شد. اما این روند در سال‌های اخیر معکوس شده؛ به طوری که در یک‌سال اخیر با وجود اینکه ایران دو جنگ خارجی و اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ را تجربه کرده اما تعداد خرید ملک ایرانی‌ها در ۷ ماهه نخست امسال سقوط ۷۰ تا ۸۰ درصدی نسبت به سال‌های قبل داشته است. کاهش خرید ملک ایرانی‌ها هم در دو سالی که ایران درگیر جنگ بوده، بسیار قابل تأمل است. این درحالی است که در جنگ روسیه-اوکراین و جنگ سوریه، بازار ملک ترکیه شاهد افزایش شدید خرید ملک از سوی شهروندان روسی و سوری بوده است.

نوری که برای همسایگان پهن شده بود

بازار مسکن ترکیه طی یک دهه گذشته یکی از نمونه‌های قابل

فرار خارجی‌ها از بازار مسکن ترکیه؛

خرید ملک ایرانیان از تُرک‌ها ۸۴ درصد ریزش کرد



پس از سال ۲۰۲۲، مسیر قبلی کاملاً تغییر کرد. تعداد خرید ایرانی‌ها در هفت‌ماهه نخست سال ۲۰۲۳ به ۳۲۱۱ فقره، در سال ۲۰۲۲ به ۱۳۵۲ فقره، در سال ۲۰۲۵ به ۱۰۸۰ فقره و در ۷ ماهه نخست سال ۲۰۲۶ نیز به ۹۶۳ فقره رسید. بنابراین نسبت به نقطه اوج سال ۲۰۲۲، خرید ملک ایرانی‌ها در ترکیه حدود ۸۴ درصد کاهش یافته است. حتی اگر سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ را مبنای مقایسه قرار دهیم، میزان کاهش به حدود ۷۰ درصد می‌رسد. بر اساس این داده‌ها، تعداد خرید ۹۶۳ فقره‌ای ایرانی‌ها در ۷ ماهه نخست امسال، پایین‌ترین خرید از سال ۲۰۱۷ تاکنون بوده است. ۱۰۰ نفر به ۵۰ نفر رسید.

به این ترتیب ترکیه عملاً هزینه ورود سرمایه‌گذار خارجی به برنامه تابعیت را به شدت کاهش داد و از این طریق توانست تقاضای جدیدی را از بازار بین‌المللی سرمایه به سمت بازار دارایی و به‌ویژه مسکن خود هدایت کند. این سیاست را باید فراتر از یک برنامه مهاجرتی با فروش اقامت و تابعیت تحلیل کرد. ترکیه درواقع تلاش کرد از طریق پیوند دادن یک منفعت حاکمیتی، یعنی تابعیت با ورود سرمایه، بخشی از منابع مالی خارجی را به اقتصاد داخلی جذب کند.

تعداد خرید سالانه ملک ایرانی‌ها در ترکیه از ۵۰۰ تا ۷۰۰ فقره در قبل از این قانون، به ۷۵۴ هزار فقره بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ رسیده و در سال ۲۰۲۱ این عدد به حدود ۱۱ هزار فقره رسید. گرچه این سال‌ها هم‌زمان با شروع تحریم‌های ایران از سوی دولت اول دونالد ترامپ بود اما رصد داده‌های مرکز آمار ترکیه نشان می‌دهد در این دوره خرید ملک سایر کشورها نیز روند افزایشی قابل‌تأملی داشته است. برای نمونه، خرید ملک روس‌ها از ۱۵۰۰ تا ۲ هزار فقره در قبل از تغییر قوانین مهاجرتی ترکیه به ۴ تا ۶ هزار در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ رسید و این تعداد در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ به ۱۷ تا ۱۱ هزار فقره رسید.

با تغییر قوانین مهاجرتی ترکیه در سال ۲۰۱۷ و هم‌زمان با شروع تحریم‌های ظالمانه دولت اول دونالد ترامپ علیه ایران، ایرانی‌ها یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی بودند که اقدام به خرید گسترده ملک در ترکیه کردند. داده‌های مرکز آمار ترکیه از تعداد خرید ملک ایرانی‌ها در هفت‌ماهه نخست سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۶ نشان می‌دهد خرید ملک توسط ایرانی‌ها از حدود ۴۰۰ فقره در سال‌های پیش از اجرای سیاست جدید به سرعت افزایش یافت و به ۲۸۱۸ فقره در سال ۲۰۱۹، تعداد ۳۵۶ فقره در سال ۲۰۲۰ و ۳۹۷۷ فقره در سال ۲۰۲۱ رسید؛ اما این روند در سال ۲۰۲۲ به اوج خود رسید و تعداد خرید ایرانی‌ها در هفت‌ماهه نخست آن سال به ۵۸۵۸ فقره رسید؛ یعنی در فاصله پنج سال، تقاضای ایرانی‌ها بیش از ۱۴ برابر شد. چنین رشدی را نمی‌توان صرفاً با افزایش تقاضای مصرفی یا علاقه ایرانی‌ها به بازار مسکن ترکیه توضیح داد، بلکه این اتفاق ترکیبی از سیاست تشویقی ترکیه برای اعطای تابعیت، حفظ ارزش دارایی، تمایل به خروج بخشی از سرمایه از اقتصاد داخلی، دسترسی به اقامت و همترانز همه، امکان استفاده از مسیر خرید ملک برای

برای دریافت تابعیت بوده است.

گفته محسن باقری، هزینه‌زندی خانوار که در دی‌ماه سال گذشته حدود ۴۳ میلیون تومان برآورده بود، اکنون به بیش از ۸۰ میلیون تومان رسیده است.

وی با اشاره به تورم ۱۴ درصدی اقلام خوراکی هشدار داد که «تاب‌آوری نیروی کار حدی دارد» و در شرایط فعلی، حتی داشتن دوشغل هم کفاف حداقل نیازهای زندگی را نمی‌دهد. این وضعیت، کارگران را در نقطه‌ای قرار داده است که برای تأمین قوت غالب خانواده، ناچار به پذیرش شرایط غیرمنصفانه در محیط کار است.

باقری درباره اینکه آیا خبری از برگزاری جلسات کمیته مزه است گفت: فعلاً خبری از جلسات نیست و تاکنون دعوت‌نامه‌ای برای ما ارسال نشده است. گفت: «مواقت اولیه دولت» با تشکیل جلسه کمیته بازنگری مزه خیرداد. وی اشاره کرد که علی‌رغم مقاومت گروه کارفرمایان، رأی دولت و نمایندگان کارگری در تشکیل جلسه مقرر شده است؛ هرچند این موافقت هنوز به صورت مصوبه کتبی در نیامده است. این تضاد در روایت‌ها، پرسش‌های جدی‌ای را ایجاد می‌کند: آیا وزارت کار در تلاش است تا با انکار دریافت درخواست، زمان بازنگری دستمزد‌ها را به تأخیر بیندازد یا اینکه میان لایه‌های مختلف تصمیم‌گیر در دولت و شورای عالی کار، عدم هماهنگی وجود دارد؟

بحران معیشت؛ وقتی دوشغل هم کفاف زندگی را نمی‌دهد

بعد انسانی و اقتصادی این تناقض، در ارقام نکان دهنده سید معیشت نهفته است. به

دلار به ۴۰۰ هزار دلار افزایش داد. به بیان دیگر، حداقل سرمایه لازم برای ورود به برنامه تابعیت از مسیر خرید ملک ۶۰ درصد افزایش پیدا کرد. این تغییر از منظر اقتصاد سرمایه‌گذاری بسیار مهم است، زیرا بخش قابل توجهی از تقاضای ایجاد شده در سال‌های قبل، تقاضایی بود که به مشوق تابعیت حساسیت بالایی داشت. وقتی سرمایه‌گذار می‌توانست با ۲۵۰ هزار دلار هم صاحب ملک شود و هم واجد شرایط تابعیت قرار گیرد، بازده اقتصادی این تصمیم با حالتی که باید حداقل ۴۰۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری کند، کاملاً متفاوت بود. بنابراین افزایش سقف سرمایه‌گذاری، بخشی از تقاضای حاشیه‌ای و سرمایه‌گذاران با توان مالی متوسط را از بازار خارج کرد. درواقع ترکیه با افزایش آستانه سرمایه‌گذاری، عملاً بخشی از متقاضیان ضعیف‌تر از برنامه تابعیت حذف کرد.

عامل دوم، تورم بسیار بالای اقتصاد ترکیه و افزایش قابل توجه قیمت دارایی‌هاست. ترکیه طی سال‌های اخیر با یکی از بالاترین نرخ‌های تورم در میان اقتصادهای بزرگ و متوسط جهان مواجه بوده است. برای سرمایه‌گذار خارجی، مسئله صرفاً قیمت اسمی ملک نیست، بلکه بازده واقعی سرمایه‌گذاری پس از در نظر گرفتن تورم، نرخ ارز، هزینه‌های معامله، مالیات، هزینه نگهداری و فرصت‌های جایگزین سرمایه اهمیت دارد. در سال‌های ابتدایی برنامه، کاهش ارزش لیر در برابر ارزهای خارجی به نوعی مزیت برای سرمایه‌گذاران دلاری ایجاد می‌کرد، چراکه آنها می‌توانستند با ارز خارجی دارایی‌های ترکیه را با قیمت نسبی پایین‌تری خریداری کنند. اما استمرار تورم و رشد قیمت اسمی مسکن موجب شد این مزیت به تدریج کاهش پیدا کند و نسبت قیمت ملک به قدرت خرید سرمایه‌گذار خارجی افزایش یابد. درنتیجه، بخشی از جذابیت اولیه بازار که ناشی از قیمت نسبی پایین دارایی‌های ترکیه بود، از بین رفت.

سرمایه‌گذارانی که در دام کلاهبرداری افتادند

عامل سوم کاهش خرید خانه از سوی خارجی‌ها در ترکیه، رشد چشمگیر موانع حقوقی و کلاهبرداری‌ها و سوءاستفاده‌ها در بازار املاک خارجی است. طی سال‌های اخیر، در حالی که دولت ترکیه نیز قوانین پیچیده‌ای برای اعطای تابعیت از طریق سرمایه‌گذاری خارجی اعمال کرده اما در همین مدت نیز پرونده‌های سوءاستفاده و کلاهبرداری از خارجی‌ها در بازار املاک خارجی به شدت رشد کرده است. در حالی که خریدار خارجی به‌امید دریافت تابعیت، اقدام به خرید ملک می‌کرد، در زمان احراز مدارک هویتی یا انجام امور اداری ملک، متوجه چالش‌های حقوقی ملک یا دیگر موانع اداری می‌شد.

نمونه جالب توجه آن، پرونده‌ای است که در سپتامبر ۲۰۲۵ کشف شد. بر اساس اعلام وزارت کشور ترکیه، پلیس این کشور در سال گذشته از انهدام یک شبکه سازمان یافته در ۱۹ استان و بازداشت ۱۰۶ نفر خبر داد. بر اساس اعلام رسمی، این شبکه برای ۴۵۱ تبعه خارجی و خانواده‌های آنان معاملات صوری ملکی انجام داده بود تا متقاضیان بتوانند شرط سرمایه‌گذاری لازم برای دریافت تابعیت را احراز کنند. سازوکار تخطف عمدتاً بر معاملات صوری، دستکاری ارزش ملک و جعل اسناد استوار بود. در جریان عملیات، ۱۲۴۰ آرتا پرتمان، ۶۵ قطعه زمین، ۴۷ خودرو و پنج شرکت توقیف شد.

نمونه جالب توجه دیگر، پرونده‌ای است که یک طرف‌آنها، برخی شهروندان ایرانی هستند. بر اساس گزارش ایندپندنت تُرکی، بسیاری از خارجی‌هایی که برای شهروندی یا سرمایه‌گذاری به ترکیه آمده بودند، قربانی کلاهبرداری مسکن شدند. در این گزارش آمده است: «برخی از خارجی‌هایی که در ترکیه خانه خریده‌اند، به دلیل عدم تحویل به موقع پروژه‌هایشان، نه خانه‌هایشان را دریافت کرده‌اند و نه حق شهروندی دریافت کرده‌اند.»

طبق گزارش ایندپندنت تُرکی، «معصومه مختاری، شهروند ایرانی یکی از کسانی است که در سال ۲۰۱۸، یک آرتا پرتمان ۱+۲ پروژه Innova۴، به قیمت ۲۵۰۰۰ لیر ترکیه خریداری کرده اما تا ۱۰ سال نتوانسته به آن دسترسی داشته باشد. وی می‌گوید با اعتماد به وعده تحویل خانه‌اش در سال ۲۰۱۷، در سال ۲۰۱۸ به استانبول نقل مکان کرد. اما به دلیل توقف ساخت‌وساز، نتوانست خانه یا پولش را دریافت کند.» مختاری بسه ایندپندنت

می‌گوید: «من خیلی خسته‌ام. از خرید خانه پشیمانم. تنها چیزی که می‌خواهم این است که پولی را که حق من است، بگیرم و بروم.» وی به این رسانه گفته است: «دوستان ایرانی و عرب دیگری نیز داشته که آنها نیز قربانی بوده‌اند.» این پرونده‌ها تنها گوشه‌ای از تخلفات املاک خارجی ترکیه رخ داده و باعث شده سرمایه‌گذاران خارجی که در حال درگیر پرونده‌های کلاهبرداری باشند.

خرید ملک در ترکیه برای

بخشی از صاحبان سرمایه

به ابزار حفظ ارزش دارایی و

خروج سرمایه تبدیل شد.

علاوه بر این، نباید تحولات

بخش تجارت را نادیده

گرفت. فعالیت تراستی‌ها،

وجود حجم بالای کمک‌اظهاری

و بیش‌اظهاری‌ها و دشواری

انتقال رسمی منابع، بخشی

از منابع ارزی کشور را از مسیر

تجارت به بازار املاک ترکیه

روانه کرد

۲. واقعی سازی سید معیشت با احتساب سهم واقعی هزینه‌های مسکن و درمان.

۳. تفکیک شفاف مسئولیت‌ها بین حمایت‌های عمومی دولت و وظیفه پرداخت مزه پایه توسط کارفرمایان.

به گزارش تسنیم شکاف میان «تأیید اولیه دولت» (به روایت نماینده کارگری) و «عدم دریافت ترمیم دستمزد‌ها را مشروط به پذیرش «شرای اجتماعی» (کارفرمایان و کارگران) می‌داند، واقعیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد که زمان انتظار برای کارگران به پایان رسیده است. بقای چرخه تولید در کشور، بیش از هر چیز در گرو «حیات شرافتمندانه کارگران» است و هرگونه تأخیر در ترمیم دستمزد‌ها، ریسک‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری را به همراه خواهد داشت.

استفاده کنند که ظرفیت لازم برای جابه جایی آنها را ندارد.

خودروساز هم باید هزینه ناترازی را بپردازد

یکی از غایبان اصلی در بسیاری از بحث‌های مربوط به بنزین، خودروساز است. معمولاً مصرف‌کننده به عنوان عامل رشد مصرف معرفی می‌شود، در حالی که میزان سوخت مورد نیاز هر خودرو تا بقی از فناوری موتور، وزن، گیربکس، کیفیت قطعات و استاندارد طراحی آن است. اگر یک خودرو برای پیمایش مسیر یکسان به دلیل فناوری قدیمی سوخت بیشتری مصرف کند، تمام مسئولیت را نمی‌توان متوجه راننده دانست.

کاهش مصرف سوخت محصولات داخلی باید به یک الزام جدی برای خودروسازان تبدیل شود. اختلاف حتی یک یادولیت‌ر مصرف در هر ۱۰۰ کیلومتر، زمانی که در میلیون‌ها خودرو و میلیارد‌ها کیلومتر پیمایش ضرب شود، به حجم قابل توجهی از بنزین تبدیل خواهد شد.

خودروهای فرسوده: ناترازی متحرک در خیابان‌ها

خودروهای فرسوده نیز یکی دیگر از حلقه‌های اصلی مصرف بالای انرژی هستند. این خودروها علاوه بر مصرف بیشتر سوخت، هزینه تعمیر و نگهداری بالاتر و آلایندگی بیشتری دارند. خروج خودروهای فرسوده نباید فقط به عنوان یک برنامه زیست‌محیطی دیده شود؛ اسقاط ناوگان پرمصرف مستقیماً یک سیاست انرژی است. با این حال، این برنامه باید همراه با تأمین مالی وامکان جایگزینی باشد. مالک خودروی فرسوده‌ای که توان خرید خودرو جدید ندارد، نمی‌تواند صرفاً با دستور اداری از ناوگان خارج شود. سیاست اسقاط زمانی موفق است که برای صاحب خودرو نیز مسیر اقتصادی قابل اجرا ایجاد شود.

تغییر ترکیب ناوگان: از کم‌مصرف‌ها تا خودروهای برقی

یکی دیگر از حلقه‌های مغفول، سیاست تولید و واردات خودرو است. اگر کشور، هم‌زمان با بحران بنزین همچنان خودروهای پرمصرف وارد یا تولید کند، سیاست انرژی و سیاست خودرو عملاً در دو مسیر متفاوت حرکت می‌کنند.

اولویت واردات و تولید باید به سمت خودروهای کم‌مصرف، هیبریدی و در موارد مناسب خودروهای برقی حرکت کند. البته برقی‌سازی نیز نباید به معنای واردات گسترده خودرو بدون توجه به زیرساخت شارژ و ظرفیت شبکه برق باشد. در کوتاه‌مدت، خودروهای هیبریدی می‌توانند به دلیل وابستگی کمتر به زیرساخت شارژ گزینه عملی‌تری برای کاهش مصرف باشند. در کنار آن، اولویت برقی‌سازی یا دوگانه‌سوز کردن باید به ناوگان پرترد داده شود. تاکسی‌ها، خودروهای اینترنتی، موتورسیکلت‌های پیک و خودروهای خدماتی روزانه چند برابر یک خودروی شخصی عادی پیمایش دارند؛ بنابراین کاهش مصرف یک خودروی پرترد، اثر بسیار بیشتری نسبت به ارائه یارانه مشابه به خودرویی دارد که تنها چند کیلومتر در روز حرکت می‌کند.

حمل‌ونقل عمومی و پالایشگاه‌ها: اصلاح هر دو سوی معادله

نگاه هم‌زمان به سمت تقاضا و عرضه مهم است. توسعه مترو، اتوبوس، قطارهای حومه‌ای و حمل‌ونقل ریلی باید مستقیماً بخشی از سیاست بنزینی کشور تلقی شود. هر سفری که از خودروی شخصی به حمل‌ونقل عمومی منتقل می‌شود، در عمل بخشی از تقاضای بنزین را حذف می‌کند؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در مترو یا قطار حومه‌ای فقط هزینه عمرانی شهر نیست؛ سرمایه‌گذاری برای کاهش مصرف انرژی نیز محسوب می‌شود. سمت تولید نیز نباید از مسئولیت ناترازی کنار گذاشته شود. افزایش بهره‌وری پالایشگاه‌ها، کاهش اتلاف در زنجیره تولید و توزیع و بهینه‌سازی فرآیندهای پالایشی باید هم‌زمان با سیاست‌های کاهش مصرف شکاف عرضه و تقاضا تنها با کاهش مصرف انرژی و تقاضای کمتر در دنیال شود. قرار نیست تمام شکاف عرضه به حمل‌ونقل تنها با کاهش مصرف انرژی و تقاضای کمتر در دنیال شود. قرار نیست تمام شکاف عرضه به حمل‌ونقل تنها با کاهش مصرف انرژی و تقاضای کمتر در دنیال شود. قرار نیست تمام شکاف عرضه به حمل‌ونقل تنها با کاهش مصرف انرژی و تقاضای کمتر در دنیال شود. قرار نیست تمام شکاف عرضه به حمل‌ونقل تنها با کاهش مصرف انرژی و تقاضای کمتر در دنیال شود. قرار نیست تمام شکاف عرضه به حمل‌ونقل تنها با کاهش مصرف انرژی و تقاضای کمتر در دنیال شود. قرار نیست تمام شکاف عرضه به حمل‌ونقل تنها با کاهش مصرف انرژی و تقاضای کمتر در دنیال شود.

کاهش مصرف سوخت

محصولات داخلی باید

به یک الزام جدی برای

خودروسازان تبدیل شود.

اختلاف حتی یک یادولیت‌ر

مصرف در هر ۱۰۰ کیلومتر،

زمانی که در میلیون‌ها

خودرو و میلیارد‌ها کیلومتر

پیمایش ضرب شود، به

حجم قابل توجهی از بنزین

تبدیل خواهد شد



جای خالی خودروساز در صف متهمان ناترازی بنزین

گزارش

یکی از شیوه‌های رفع ناترازی بنزین اصلاح قیمت است اما در کشور ما ناترازی دلایل عمده و زیرساختی زیادی دارد، از عدم شفافیت در کارت سوخت جایگاه‌دار و بی‌توجهی به ظرفیت CNG تا تردد خودروهای فرسوده و عدم توسعه ناوگان عمومی؛ در این بین نقش خودروساز داخلی در تولید خودروهای با مصرف بالا و ضرورت حضور و پاسخگویی آنها در جلسات بنزینی دولت، نباید فراموش شود.

مسئله بنزین در ایران دیگر صرفاً به قیمت هر لیتر سوخت یا میزان سهمیه ماهانه خودروها محدود نیست. رشد مصرف، فاصله میان تولید و تقاضا، هزینه تأمین سوخت، فرسودگی ناوگان، مصرف بالای بخشی از خودروهای داخلی و استفاده ناقص از ظرفیت حامل‌های جایگزین، مجموعه‌ای از مشکلات را شکل داده که هر تصمیم درباره بنزین را به یکی از حساس‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی تبدیل کرده است. با این حال، ساده‌ترین گزینه همچنان تغییر قیمت بنزین است؛ ابزاری که اجرای آن برای دولت از اصلاح صنعت خودرو، توسعه حمل‌ونقل عمومی، نوسازی ناوگان یا تغییر معماری سید سوخت آسان‌تر است اما الزاماً به همان اندازه کارآمد نیست.

تجربه نشان داده که مواجهه صرفاً قیمتی با ناترازی، بدون اصلاح عوامل شکل دهنده مصرف، می‌تواند بیش از آن‌که مسئله را حل کند، هزینه آن را مابین مصرف‌کنندگان توزیع کند. اگر خودروی پرمصرف همچنان تولید شود، ناوگان فرسوده در خیابان بماند، حمل‌ونقل عمومی پاسخگوی تقاضا نباشد و ظرفیت سوخت جایگزین خالی باقی‌ماند، افزایش قیمت بنزین نمی‌تواند به تنهایی پاسخ‌یادار مسئله باشد.

از این منظر چندین محور در حوزه توزیع، مصرف، صنعت خودرو، حمل‌ونقل و تولید سوخت وجود دارد که سیاست‌گذار می‌تواند روی آنها متمرکز شود.

شفافیت در شبکه توزیع: نقطه آغاز اصلاح

نخستین الزام، افزایش شفافیت شبکه توزیع بنزین است. شناسه‌دار کردن کارت‌های سوخت جایگاه‌ها و ایجاد امکان رصد دقیق مصرف آنها می‌تواند بخشی

از ابهامات فعلی در شبکه توزیع را برطرف کند. اطلاع از محل، زمان و میزان استفاده از کارت‌های جایگاه، امکان شناسایی الگوهای غیرعادی مصرف و جلوگیری از سوءاستفاده را افزایش می‌دهد. پیش از آن‌که دولت از مردم بخواهد هزینه بیشتری برای سوخت پرداخت کنند، ابتدا باید مشخص باشد سوخت موجود با چه میزان کارایی و شفافیت در شبکه توزیع می‌شود. اصلاح قیمتی در شبکه‌ای که بخشی از جریان مصرف آن شفاف نیست، می‌تواند به معنای انتقال هزینه ناکارآمدی نظام توزیع به مصرف‌کننده نهایی باشد. امروزه یک پنجم قاچاق بنزین از طریق کارت سوخت جایگاه انجام می‌شود که لزوم ثبت و رصد دقیق را نشان می‌دهد.

تبیین و شفاف‌سازی هر تصمیم بنزینی قبل از اجرا

سومین الزام، تغییر شیوه مواجهه دولت با افکار عمومی است. بسیاری از سیاست‌های اقتصادی نه فقط به دلیل محتوای آنها، بلکه به دلیل نحوه اجرا و اطلاع‌رسانی با مقاومت مواجه می‌شوند. پیش از هر طرح بنزینی باید برای مردم توضیح داده شود که مسئله چیست، دولت چه گزینه‌هایی در اختیار داشته، چرا یک گزینه انتخاب شده، چه گروه‌هایی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و منابع احتمالی حاصل از اصلاح چگونه هزینه خواهد شد.

پس از اتخاذ تصمیم، جای تبیین پیش از اجرا را نمی‌گیرد. پوپست رسانه‌ای باید جزئی از طراحی سیاست باشد، زیرا در حوزه‌ای مانند بنزین، ابهام به سرعت می‌تواند به شکل‌گیری شایعه و افزایش انتظارات تومی منجر شود. مسئله‌ای که کشور را در گذشته با عدم اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع مسئولان به چالش جدی کشیده است.

لزوم متنوع‌سازی سید سوخت: ظرفیت‌های موجود اما فراموش‌شده CNG باید دوباره فعال شود

کاهش ناترازی نیازمند تنوع بخشی واقعی به سید سوخت حمل‌ونقل است. سی‌ان‌جی بخشی از این معادله است اما بررسی استفاده استاندارد و ایمن از LPG و توسعه تدریجی زیرساخت خودروهای برقی نیز می‌تواند وابستگی مطلق ناوگان سبک به بنزین را کاهش دهد. هدف نباید جایگزینی کامل یک سوخت با سوخت دیگر باشد؛ بلکه باید چند گزینه در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد تا در صورت فشار بر یک حامل انرژی، کل سیستم حمل‌ونقل تحت تأثیر قرار

بهد از مردم خواست از شبکه‌ای

”

خودروهای پرجمع و سردرد تک‌سرنشین مصرف یکسانی ندارند و منطقی نیست سیاست سوخت نیز همه آنها را یکسان ببیند. خودروهای پرجمع و پرمصرف می‌توانند از طریق عوارض یا ابزارهای مالیاتی با هزینه بیشتری مواجه شوند. همچنین در کلان‌شهرها می‌توان سیاست‌هایی برای کاهش برخی سفرهای تک‌سرنشین طراحی کرد؛ البته چنین سیاست‌هایی تنها زمانی قابل دفاع است که حمل‌ونقل عمومی جایگزین مناسبی برای شهروندان باشد. نمی‌توان ابتدا برای استفاده از خودرو شخصی هزینه ایجاد کرد و بعد از مردم خواست از شبکه‌ای

قیمت برخی گوشی‌های اقتصادی مواجه بوده است. در واقع، توقف چندماهه ثبت سفارش باعث شد موجودی حاصل از سفارش‌های قبلی به تدریج مصرف شود و امکان جایگزینی سریع کالا نیز وجود نداشته باشد. از این منظر، بخشی از افزایش قیمت اخیر امی می‌توان ناشی از محدود شدن سمت عرضه و کاهش موجودی قابل فروش دانست. اکنون با فعال شدن مجدد

ثبت سفارش، این معادله می‌تواند تغییر کند. در صورتی که سفارش‌های جدید به سرعت تأمین‌ارز شده و محموله‌های وارداتی نیز بدون وقفه طوالتی

همراه هوشمند صرفاً با نوع عملیات ارزی بانکی وا از محل «ارز خود»، «ارز دیگران» یا ترکیبی از این دو امکان پذیر است. پرونده‌هایی نیز که تأمین ارز آنها به طور کامل انجام شده، می‌توانند فرآیند واردات را براساس محل تأمین ارز قبلی ادامه دهند. در مرحله نخست، تمرکز ثبت سفارش بر گوشی‌های با ارزش کمتر از ۴۰۰ دلار قرار گرفته است. بنابراین برخلاف گوشی‌های لوکس و گران‌قیمت، مدل‌های اقتصادی و میان‌رده در اولویت بازگشت عرضه قرار دارند که می‌تواند اثر مستقیم‌تری بر بخش پرتقاضای بازار داشته باشد. همچنین سهمیه اولیه هر بازرگان معادل یک‌هشتم میانگین سابقه واردات وی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ تعیین شده است. استفاده از سهمیه یک‌هشتم بعدی نیز پس از استفاده از سهمیه اولیه و رفع تعهد پرونده‌های مربوط، به تصمیم وزارت صنعت، معدن و تجارت موکول شده است.

به این ترتیب، فعال شدن ثبت سفارش به تنهایی به معنای ورود فوری حجم گسترده‌ای از موبایل به بازار نیست و اثر آن بر قیمت‌ها به سرعت تأمین‌ارز، ورود محموله‌ها، ترخیص و عرضه کالا در شبکه فروش بستگی خواهد داشت.

چرا قیمت موبایل در هفته‌های اخیر افزایش یافت؟ بازار موبایل در شرایطی وارد مرحله جدید شده که طی هفته‌های اخیر با کاهش موجودی و افزایش

بازار موبایل در شرایطی وارد مرحله جدید شده که طی هفته‌های اخیر با کاهش موجودی و افزایش قیمت برخی گوشی‌های اقتصادی مواجه بوده است.

پس از حدود ۱۷۰ روز توقف ثبت سفارش واردات تلفن همراه در سال ۱۴۰۵، فرآیند ثبت سفارش این کالا از نیمه شهریورماه بار دیگر در سامانه جامع تجارت فعال شده است؛ اتفاقی که در صورت تداوم تأمین‌ارز و ورود محموله‌های جدید، می‌تواند به افزایش عرضه و عقب‌نشینی قیمت گوشی‌های اقتصادی منجر شود. در پنج ماه نخست امسال، حدود ۲۰۰ میلیون دلار تلفن همراه از محل ثبت سفارش‌های باقی‌مانده از سال‌های گذشته وارد کشور شده؛ رقمی که نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۷۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. این افت قابل توجه واردات در شرایطی رخ داده که طی بخش عمده سال جاری، امکان ثبت سفارش جدید برای واردات موبایل وجود نداشت و بازار عمدتاً با موجودی حاصل از سفارش‌های سنوات قبل تأمین می‌شد. با مصرف تدریجی این موجودی، فشار کمبود عرضه به‌ویژه در بخش گوشی‌های اقتصادی افزایش یافت و قیمت برخی مدل‌ها طی هفته‌های اخیر رشد محسوس‌ی را تجربه کرد.

بازگشت ثبت سفارش با تمرکز بر گوشی‌های زیر ۴۰۰ دلار بر اساس ضوابط جدید، ثبت سفارش تلفن

” اخبار



مسیر سخت خانه‌دار شدن با وام ۲۰۴ میلیارد تومانی

وام ۲۰۴ میلیارد تومانی اوراق تسهیلات مسکن که از دیروز پرداخت آن در سیستم بانکی آغاز شده، جدا از آنکه فقط حدود ۱۲ متر از هزینه خرید یک آپارتمان در تهران را پوشش می‌دهد، حدود ۴۴۵ میلیون تومان هزینه دارد و عملاً ۱۰۹۵ میلیارد تومان دست‌مقاضی را می‌گیرد؛ اقساط ماهیانه این تسهیلات نیز تا پنج سال اول حدود ۵۱ میلیون تومان است. پس از صدور مجوز بانک مرکزی برای افزایش سقف تسهیلات خرید مسکن از محل اوراق گواهی حق تقدم به دو میلیارد تومان که روز ۲۷ مرداد به تصویب رسید، از روز گذشته پرداخت این نوع وام در نظام بانکی آغاز شد. سقف تسهیلات خرید مسکن بستگان (شامل زوجین، پدر و فرزند، مادر و فرزند، خواهر و برادر، دو خواهر یا دوبرادر) در شهر تهران به ۲ میلیارد تومان، در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر به ۱۰۶ میلیارد تومان و در سایر مناطق به ۱۰۲ میلیارد تومان رسید. تا پیش از این سقف این نوع تسهیلات در تهران یک میلیارد تومان بود. در حالت انفرادی نیز سقف تسهیلات خرید مسکن در شهر تهران از ۵۰۰ میلیون به یک میلیارد تومان، در مراکز استان‌ها و شهرهای با جمعیت بیش از ۲۰۰ هزار نفر به ۸۰۰ میلیون تومان و در سایر مناطق شهری کشور به ۶۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

نرخ سود ۲۲٫۵ درصد در سال

همچنین‌آنطور که علی خورسندیان، مدیرعامل بانک مسکن اعلام کرده در راستای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تمامی متقاضیان (بدون شرط خانه اولی بودن)، به‌ازای هر فرزند زیر ۲۰ سال سن (تا سقف ۴ فرزند)، مشمول ۲۵ درصد افزایش سقف تسهیلات در بخش‌های خرید مسکن (در قالب تسهیلات انفرادی و زوجین) و چاله تعمیر خواهند بود؛ مشروط به اینکه نرخ باروری شهرستان محل زادگاه پدر و فرزند، بالای ۲٫۵ نباشد. وی در رابطه با مدت بازپرداخت این تسهیلات اضافه کرد: دوره بازپرداخت تسهیلات خرید مسکن مشمول قانون جوانی جمعیت، در صورت بازپرداخت به‌روش ساده، حداکثر ۱۲ سال و در روش پلکانی حداکثر ۱۰ سال با نرخ سود مصوب ۲۲٫۵ درصد در سال خواهد بود.

متقاضیان در حال تشکیل پرونده می‌توانند با مبلغ جدید وام بگیرند

در این میان، مشتریانی که پرونده تسهیلاتی در دست اقدام دارند و مراحل تشکیل پرونده آنها در جریان است و تاکنون قرارداد تسهیلاتی آنها در شعب بانک منعقد و افتتاح قطعی نشده است، می‌توانند با مراجعه به شعب و ارائه درخواست جدید، از سقف‌های افزایش‌یافته‌کنونی بهره‌مند شوند. اما سوالات اساسی این است که وام دو میلیارد تومانی تا چه مقدار در افزایش قدرت خرید خانوارها مؤثر است؟ اقساط ماهیانه، نرخ سود و مدت بازپرداخت این تسهیلات چقدر است؟ و آیا خانواده‌ها با توجه به شرایط این نوع تسهیلات تمایلی به دریافت آن دارند.

با وام جدید می‌توان ۱۲ متر آپارتمان در منطقه مینای تهران خرید!

بررسی‌های نشان می‌دهد افزایش سنگین قیمت مسکن که به ایجاد شکاف بین قیمت و سقف وام‌های پرداختی توسط نظام بانکی منجر شده در کاهش محسوس اقبال متقاضیان خانه اولی از وام‌های مسکن تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که تا حدود یک دهه قبل وام‌های مسکن، بخش قابل توجهی از قیمت واحدهای مسکونی در کلان‌شهرها را پوشش می‌داد و از طریق همین وام‌ها بسیاری از افراد خانه‌دار شدند. بازار مسکن تقریباً از نیمه دوم سال ۱۴۰۳ وارد یک دوره کوتاه ثبات همراه با رکود شده بود؛ رکودی که چندان دوام نداشت. از ابتدای سال جاری تحت تأثیر عواملی چون تنش‌های اخیر، انتظارات تورمی، نوسانات بازارهای ارز و طلا و آسیب به زیرساخت‌های کشور، قیمت مسکن دچار جهش شد؛ به طوری که تخمین زده می‌شود هم‌اکنون میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در تهران به بیش از ۲۰۰ میلیون تومان رسیده باشد. لذا بر مبنای قیمت‌های امروز، وام ۲۰۴ میلیارد تومانی فقط حدود ۱۲ مترمربع از هزینه خرید یک آپارتمان در منطقه‌ای مینای از شهر تهران را پوشش می‌دهد.

۴۴۵ میلیون تومان هزینه خرید وام ۲۰۴ میلیارد تومانی مسکن

از سسوی دیگر هزینه خرید هر برگ اوراق تسهیلات مسکن (تسه) در روزهای اخیر روند افزایشی داشته است و برای دریافت هر ۵۰۰ هزار تومان وام باید دو برگه «تسه» خریداری کرد که در حال حاضر قیمت هر برگ آن ۹۲ هزار و ۸۴۹ تومان است که نسبت به قیمت روز قبل حدود ۲۷۰۰ تومان (نزدیک ۳ درصد) افزایش نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه هر برگ اوراق معادل ۵۰۰ هزار تومان تسهیلات است، متقاضی برای دریافت وام دو میلیارد تومانی خرید مسکن به ۴۰۰ برگ و برای ۴۰۰ میلیون تومان جعاله نیز به ۸۰۰ برگ دیگر نیاز دارد؛ بنابراین برای تسهیل کامل ۲۰۴ میلیارد تومان، مجموعاً ۴۸۰۰ برگ اوراق باید خریداری شود. با قیمت ۹۲ هزار و ۸۴۹ تومان، هزینه خرید این ۴۸۰۰ برگ حدود ۴۴۵ میلیون تومان خواهد بود؛ یعنی متقاضی پیش از دریافت تسهیلات باید نزدیک به ۴۴۵ میلیون تومان فقط برای تهیه اوراق پرداخت کند. این رقم عملاً قدرت خرید وام را کاهش می‌دهد و از ۲۰۴ میلیارد تومان اسعی، حدود ۱۰۹۵۵ میلیارد تومان پس از کسر هزینه اوراق باقی می‌ماند. با این اوصاف، افزایش سقف وام، در صورتی که هم‌زمان قیمت اوراق تسه بالا برود، لزوماً به همان میزان قدرت خرید خانوار را افزایش نمی‌دهد. درواقع بخشی از افزایش تسهیلات، پیش از رسیدن پول به دست خریدار، صرف خرید اوراق می‌شود. به همین دلیل، قیمت اوراق تسه را می‌توان یکی از هزینه‌های پنهان وام مسکن دانست که در محاسبه قدرت واقعی تسهیلات باید مورد توجه قرار گیرد.

اقساط وام‌ها، ۵۱٫۵ میلیون تومان

وام ۲۰۴ میلیارد تومانی مسکن از محل اوراق تسه در تهران از دو بخش تشکیل می‌شود که شامل دو میلیارد تومان وام خرید/ ساخت و ۴۰۰ میلیون تومان وام جعاله تعمیرات است. نرخ سود هر دو تسهیلات ۲۲٫۵ درصد اعلام شده است. مهلت بازپرداخت وام دو میلیارد تومانی ۱۲ سال و مهلت بازپرداخت وام ۴۰۰ میلیون تومانی پنج سال اعلام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد قسط ماهانه وام دو میلیارد تومانی خرید ۴۰۰ میلیون تومان و اقساط تسهیلات، ۴۰ میلیون تومانی به ۱۱٫۶ میلیون می‌رسد. بر این اساس، قسط ترکیبی وام ۲۰۴ میلیارد تومانی در دوره‌ای که هر دو وام هم‌زمان در حال پرداخت هستند، حدود ۵۱٫۵ میلیون تومان در ماه است. همچنین مجموع سود پرداختی نیز حدود ۴۰۴۷ میلیارد تومان برآورد شده است.



ثبات اقتصادی با مدیریت نرخ ارز و تأمین کالاهای اساسی ایجاد شود

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با تأکید بر ضرورت مدیریت آثار روانی تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران گفت: تحریم برای اقتصاد ایران موضوع تازه‌ای نیست و مهم‌تر از اصل تحریم، نحوه مدیریت آثار آن بر انتظارات فعالان اقتصادی و بازار است؛ دولت باید با تأمین به‌موقع ارز، کنترل نقدینگی، تضمین جریان واردات کالاهای اساسی و تقویت روابط تجاری با کشورهای همسو اجازه ندهد تحریم‌های جدید پهنای برای ایجاد شوک در بازار ارز، طلا و کالاهای اساسی شود.

رحیم زارع در باره تحریم‌های جدید اقتصادی آمریکا علیه ایران و نگرانی‌ها از تأثیر این تحریم‌ها بر بازارهای داخلی، اظهار کرد: تحریم‌های اقتصادی آمریکا موضوع جدیدی برای اقتصاد ایران نیست و کشور طی سال‌های گذشته تجربه قابل توجهی در مدیریت فشارهای خارجی به دست آورده است، اما مسئله مهم این است که نباید اجازه دهیم تحریم به یک شوک روانی در داخل اقتصاد تبدیل شود.

نماینده مردم «آباد، بوانات، خرم‌بید و سرجهان» در مجلس افزود: بخش قابل توجهی از آثار تحریم‌ها از مسیر انتظارات تورمی و رفتارهای هیجانی در بازار منتقل می‌شود؛ بنابراین اگر فعالان اقتصادی احساس کنند که در آینده با کمبود ارز، کالا یا مواد اولیه مواجه خواهند شد، طبیعی است که رفتارهای احتیاطی و بعضاً هیجانی افزایش پیدا کند. در چنین شرایطی، مدیریت بازار و اطلاع‌رسانی دقیق دولت اهمیت بسیار زیادی دارد.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ادامه داد: اولین اقدام برای جلوگیری از ایجاد التهاب در بازار، ارائه یک تصویر روشن از وضعیت منابع ارزی، درآمد‌های صادراتی و برنامه دولت برای تأمین کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید است. وقتی بازار اطلاعات دقیق و قابل اتکا داشته باشد، فضا برای شایعه و سوداگری کاهش پیدا می‌کند. نباید اجازه دهیم هر خبر مربوط به تحریم بلافاصله به افزایش قیمت ارز، طلا و کالا تبدیل شود. تحریم زمانی می‌تواند اثر اقتصادی شدیدتری ایجاد کند که در داخل کشور نیز انتظارات تورمی و رفتارهای سفته‌بازانه تقویت شود.

وی گفت: بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارتخانه‌های اقتصادی باید در این مقطع هماهنگی بیشتری داشته باشند و یک برنامه مشخص برای مدیریت بازار ارائه کنند. بازار بیش از هر چیز به ثبات و پیش‌بینی پذیری نیاز دارد.

زارع با اشاره به اهمیت بازار ارز در شرایط تحریمی بیان کرد: یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که می‌تواند به سایر بازارها سیگنال بد دهد، نرخ ارز است. اگر بازار از دچار نوسان شدید شود، این نوسان با فاصله کوتاهی به بازار کالا، خدمات، طلا و حتی تصمیمات سرمایه‌گذاری منتقل خواهد شد. به همین دلیل بانک مرکزی باید از ظرفیت‌های ارزی کشور به شکل هدفمند استفاده کند و اجازه ندهد تقاضای سفته‌بازانه بر بازار غالب شود. سیاست ارزی نباید به گونه‌ای باشد که تولیدکننده و صادرکننده واقعی با مشکل مواجه شود. هدف باید این باشد که منابع ارزی کشور در مسیر تولید، واردات مواد اولیه و کالاهای ضروری قرار گیرد و در عین حال بازار غیررسمی از نیز نتواند با ایجاد انتظارات کاذب، قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

زارع درباره راهکاری جلوگیری از انتقال تحریم به سفره مردم گفت: در شرایط تحریمی، تأمین کالاهای اساسی باید در اولویت مطلق قرار داشته باشد. دولت باید ذخایر کالاهای اساسی را در سطح مناسبی نگه دارد و مسیرهای واردات را متنوع کند تا هیچ اختلالی در تأمین کالاهای ضروری ایجاد نشود. نباید وابستگی واردات کالاهای اساسی به یک مسیر یا یک کشور محدود شود. هر اندازه مسیرهای تجاری متنوع نباشد، قدرت مانور اقتصاد ایران در برابر فشارهای خارجی نیز افزایش پیدا می‌کند. در کنار کالاهای اساسی، تأمین مواد اولیه و قطعات مورد نیاز واحدهای تولیدی نیز اهمیت زیادی دارند. اگر تولید متوقف شود، آثار تحریم سریع‌تر خود را در افزایش قیمت کالاها نشان خواهد داد. بنابراین حفظ جریان تولید یکی از مهم‌ترین سیاست‌های ضدتحریمی است.

زارع با تأکید بر ضرورت فعال نگه داشتن اقتصاد کشور گفت: یکی از اشتباهات سیاست‌گذاری این است که اقتصاد را به نتیجه تحولات سیاسی گره بزنیم. چه تحریم‌ها تشدید شود و چه کاهش پیدا کند، اقتصاد کشور باید مسیر خود را ادامه دهد. سرمایه‌گذار، تولیدکننده و فعال اقتصادی باید بدانند که سیاست‌های اقتصادی کشور بر اساس برنامه مشخص دنبال می‌شود و تصمیمات لحظه‌ای نمی‌تواند فعالیت اقتصادی او را مختل کند. بنابراین باید فضای کسب‌وکار را برای بخش خصوصی قابل پیش‌بینی کنیم. در شرایطی که اقتصاد با فشار خارجی مواجه است، افزایش موانع داخلی، مقررات متناقض و تصمیمات ناگهانی می‌تواند آثار تحریم را چند برابر کند.

وی همچنین بر ضرورت توسعه تجارت با کشورهای منطقه و اقتصادهای بزرگ آسیایی تأکید کرد و گفت: اقتصاد ایران نباید در تجارت خارجی به چند مسیر محدود شود. توسعه همکاری با کشورهای منطقه، چین، روسیه و سایر شرکای تجاری می‌تواند بخشی از ریسک ناشی از تحریم‌های ثانویه را کاهش دهد. استفاده از پیمان‌های پولی دوجانبه، توسعه تجارت با رانهای محلی، تقویت تهاوت و ایجاد مسیرهای متنوع برای انتقال منابع مالی از جمله اقداماتی است که باید با جدیت دنبال شود. امروز اقتصاد ایران تجربه چندین ساله در شرایط تحریمی دارد و باید از این تجربه برای کاهش هزینه مبادلات استفاده کنیم.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یکی دیگر از الزامات مدیریت شرایط جدید را برخورد با سوداگری و احتکار دانست و اظهار کرد: در شرایطی که خبر تحریم منتشر می‌شود، برخی افراد تلاش می‌کنند با ایجاد فضای روانی، منابع خود را به سمت ارز، طلا یا کالاهای خاص ببرند. اگر این رفتارها مدیریت نشود، یک شوک روانی می‌تواند به افزایش واقعی قیمت‌ها منجر شود. دستگاه‌های نظارتی باید در این مقطع حضور فعال‌تری در بازار داشته باشند، اما نظارت نباید به معنای ایجاد محدودیت برای تولید و تجارت باشد. باید با فعالیت‌های سوداگرانه و اخلاک گرانه برخورد شود و هم‌زمان مسیر فعالیت سالم اقتصادی باز ماند.

■ پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۵

■ ۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۸

■ چابخانه: نگار نقش

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ ۲۰۲۶ September ۱۰

■ شماره ۵۵۱

■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۱۳۴۱۳

■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

گزارش

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌گوید معوقات

بازنشستگان به ترتیب حروف الفبا در حال واریز است، اما رئیس کانون بازنشستگان تهران اعلام کرده روند پرداخت تنها تا حرف پنجم الفبا پیش رفته و حدود ۶ درصد از بازنشستگان مطالبات خود را دریافت کرده‌اند. از سوی دیگر، سازمان تأمین اجتماعی توقف پرداخت‌ها را رد کرده و می‌گوید واریز معوقات به صورت مستمر ادامه دارد؛ با این حال، کندی روند و نرسیدن مطالبات به حساب بسیاری از بازنشستگان همچنان پابرجاست.

واریز معوقات فروردین بازنشستگان تأمین اجتماعی پس از ماه‌ها انتظار، به یکی از مهم‌ترین مطالبات بازنشستگان تبدیل شده است؛ مطالباتی که قرار بود روند پرداخت آنها آغاز شود، اما تازه‌ترین گزارش‌ها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از مشمولان همچنان پولی دریافت نکرده‌اند. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در پاسخ به خبرنگار SNNTV درباره وضعیت پرداخت معوقات بازنشستگان اعلام کرده بود: «معوقات بازنشسته‌ها به ترتیب حروف الفبا در حال واریزاست.»

بر اساس این اظهارات، قرار بود پرداخت مطالبات بازنشستگان به صورت مرحله‌ای و بر مبنای ترتیب حروف الفبا انجام شود؛ روشی که اکنون وضعیت ادامه آن به یکی از ابهامات اصلی بازنشستگان تبدیل شده است.

پرداخت تا حرف پنجم الفبا؛ فقط ۶ درصد معوقات گرفتند

رئیس کانون بازنشستگان تهران در تازه‌ترین اظهارات خود اعلام کرده است که پرداخت معوقات فروردین بازنشستگان تنها تا حرف پنجم حروف الفبا پیش رفته است. به گفته او، تأمین اجتماعی تاکنون تنها توانسته معوقات حدود ۶ درصد از بازنشستگان را پرداخت کند.

ایلنا از کاهش سطح دسترسی مردم به مواد غذایی گزارش می‌دهد؛

یخچال خانه‌های مزدبگیران خالی است

کاهش مواد غذایی در سفره‌ها و یخچال‌های مردم، محصول سیستمی است که برون‌داد معیشتی آن، فقیرترسازی شغلان و افول هر

روزه سطح زندگی طبقه کارگر است؛ تخم مرغی که ۱۴ سال قبل در زمانه «ابراهیم صحاف‌باشی» حداقل برای بخش عظیمی از مردم، ابدأ شانی نداشت و کنار سفره‌ها به وفور یافت می‌شد، حالا دور از دسترس است؛ پول هرشانه تخم مرغ بیشتر از دستمز یک روز کارگر است. به گزارش ایلنا، «در یکی از استاسیون‌ها، دختری خوش‌رو کاسه تخم مرغ پخته جلوی من آورد. التماس می‌کرد این‌ها را بخر از!» وضع حرکتش معلوم بود که پولش را لازم دارد، خریدم. قریب بیست دانه بود. دو

عدد از آن‌ها را خوردم و مابقی را به همراهان تعارف کردم. اغلب قبول می‌کردند و بعضی می‌گفتند پولش چند می‌شود، بدیم. یکی از آن‌ها انگلیسی می‌دانست. گفتم به آن‌ها بگویند اولاً این‌ها را من رعایتاً خریدم. ثانیاً در مملکت ما ایران، تخم مرغ یکی یکی پول است... خوراکی در ایران ابدشانی ندارد و به حدی فراوان و ارزان است که اکثر از مردمان بی‌بضاعت در سال، پول برای خوراکش نمی‌دهد که همه جا سفره گسترده است.»

«ابراهیم صحاف‌باشی» — یکی از اولین ایرانی‌هایی بود که به دور دنیا سفر کرد؛ و طولانی‌ترین سفر خود به گرد جهان را در ۲۲ اردیبهشت ۱۲۷۶ خورشیدی (حدود ۱۴۰ سال قبل) با اجازه مظفرالدین‌شاه قاجار از بندر

انزلی آغاز کرد و حدود هشت ماه و نیم بعد، از راه مرزهای جنوب شرقی به وطن بازگشت. او این جملات را در یکی از ایستگاه‌های قطار آهن به طرف برلین، در وصف همراهان فرنگی خود نوشته. صحاف‌باشی مشاهدات خود از سفر به دور دنیا را با زبانی شیرین و دلچسب به نگارش درآورده و آنچه او را در مسیر برلن دچار حیرت ساخته، ارزشمند بودن چند دانه تخم مرغ برای فرنگی‌ها است!

گرانی‌های اخیر

۱۴۰ سال بعد، همان تخم مرغ یک‌پولی، به

این اظهارات در حالی مطرح شده که سازمان تأمین

اجتماعی توقف پرداخت معوقات را رد کرده و اعلام کرده است واریزها به صورت مستمر ادامه دارد. بنابراین، اختلاف موجود بیش از آنکه صرفاً بر سر آغاز یا توقف رسمی پرداخت باشد، به سرعت و گستره واریزها مربوط می‌شود؛ چراکه با وجود اعلام تداوم پرداخت، بسیاری از بازنشستگان همچنان از دریافت نکردن مطالبات خود خبر می‌دهند. درواقع، حتی اگر واریزها متوقف نشده باشد، محدود ماندن پرداخت‌ها در مراحل ابتدایی و کند بودن روند آن، همان مسئله‌ای است که برای بازنشستگان اهمیت دارد. برای فردی که ماه‌ها منتظر دریافت معوقات خود بوده، تفاوت چندانی ندارد که پرداخت رسماً «متوقف» شده یا با سرعتی پایین ادامه دارد؛ آنچه اهمیت دارد، زمانی است که مبلغ مطالبات به حساب او واریز شود.

وعده واریز داده شد؛ پرداخت‌ها چه زمانی کامل می‌شود؟

میدری از آغاز واریز معوقات بر اساس حروف الفبا خبر داده بود؛ وعده‌ای که برای بازنشستگان به معنای نزدیک شدن زمان دریافت مطالباتشان تلقی می‌شد. اما امروز پرسش بازنشستگان تنها این نیست که آیا واریزها آغاز شده است یا نه؛ سؤال مهم‌تر این است که این فرآیند در حال حاضر در چه مرحله‌ای قرار دارد و چه زمانی تکمیل خواهد شد. برای بازنشسته‌ای که ماه‌ها در انتظار مطالبات خود مانده، اعلام آغاز واریز زمانی معنا پیدا می‌کند که روند پرداخت به شکل مستمر ادامه داشته باشد و زمان مشخصی برای رسیدن نوبت همه مشمولان اعلام شود.

در شرایط فعلی، پرداخت معوقات بر اساس حروف الفبا، بدون انتشار یک برنامه زمانی روشن، می‌تواند بازنشستگان را در بلاتکلیفی نگه دارد؛ زیرا بسیاری از آنها نمی‌دانند روند پرداخت اکنون دقیقاً در چه مرحله‌ای قرار دارد و چه زمانی نام خانوادگی آنها در نوبت دریافت معوقات قرار می‌گیرد.



واریز معوقات بازنشستگان؛

وعده وزیر کار چرا به پرداخت گسترده نرسید؟

تأمین اجتماعی باید درباره وضعیت پرداخت‌ها شفاف‌سازی کند

با توجه به اینکه سازمان تأمین اجتماعی توقف پرداخت‌ها را رد کرده و بر استمرار واریزها تأکید دارد، اکنون مطالبه اصلی باید از توقف یا عدم توقف به سمت سرعت، گستره و زمان پایان پرداخت‌ها برود. سازمان تأمین اجتماعی باید به چند پرسش مشخص پاسخ دهد: تاکنون چه تعداد از بازنشستگان معوقات خود را دریافت کرده‌اند؟ پرداخت‌ها اکنون تا کدام حروف الفبا پیش رفته است؟ چرا روند واریز برای بسیاری از بازنشستگان همچنان کند است؟ و مهم‌تر از همه، زمان دقیق تکمیل واریز معوقات بازنشستگان چه زمانی است؟ پاسخ روشن به این پرسش‌ها اهمیت زیادی دارد، زیرا خبرهای ضد معیار اصلی، سرعت مناسب پرداخت، تکمیل واریزها و

افزایش می‌دهد. از یک سو وزیر کار از در حال انجام بودن واریزها خبر می‌دهد و سازمان تأمین اجتماعی نیز تأکید دارد که پرداخت‌ها متوقف نشده است؛ از سوی دیگر، رئیس کانون بازنشستگان تهران از پیش رفتن پرداخت‌ها تنها تا حرف پنجم و پوشش حدود ۶ درصدی خبر می‌دهد. این دو روایت لزوماً به معنای تناقض قطعی نیستند، اما یک واقعیت را برجسته می‌کنند: روند پرداخت برای بخش بزرگی از بازنشستگان هنوز به نتیجه نرسیده است.

معوفاتی که هر روز تأخیر در پرداخت،

ارزش آنها را کمتر می‌کند

تأخیر در پرداخت معوقات برای بازنشستگان تنها یک مسئله اداری نیست. این مطالبات در شرایطی

با تأخیر پرداخت می‌شود که هزینه‌های زندگی خانوارها به طور مستمر افزایش یافته و بازنشستگان بخش مهمی از درآمد خود را صرف هزینه‌های ضروری می‌کنند. به همین دلیل، طولانی شدن زمان پرداخت می‌تواند بر قدرت خرید بازنشستگانی که چشم‌انتظار دریافت این مطالبات هستند، اثر مستقیم بگذارد.

معوقات، درواقع بخشی از حقوقی است که بازنشستگان انتظار دریافت آن را داشته‌اند و هرچه فاصله میان زمان استحقاق و زمان پرداخت بیشتر شود، ارزش واقعی این مطالبات برای آنها کاهش پیدا می‌کند.

همین مسئله باعث شده است که مطالبه بازنشستگان صرفاً آغاز پرداخت نباشد؛ آن‌ها انتظار دارند مطالباتشان در یک بازه زمانی مشخص و بدون وقفه‌های طولانی به طور کامل پرداخت شود.

در حال واریز برای همه یا فقط بخشی از بازنشستگان؟

نقطه اصلی انتقاد بازنشستگان دقیقاً همین جاست؛ اعلام اینکه معوقات در حال واریز است، زمانی برای میلیون‌ها مستمری‌گیر معنا پیدا می‌کند که روند پرداخت با سرعتی پیش برود که انتظار آنها را بیش از این طولانی نکند. اگر پرداخت‌ها طبق اعلام سازمان تأمین اجتماعی همچنان ادامه دارد، لازم است زمان بندی و مرحله فعلی اجرای آن به طور دقیق اعلام شود. چراکه صرف اعلام استمرار پرداخت، بدون مشخص کردن میزان پیشرفت و زمان پایان آن، پاسخ کاملی برای بازنشستگانی که هنوز مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند، نیست.

ابهام در اطلاع‌رسانی، در شرایطی که بازنشستگان هر روز وضعیت حساب‌های خود را برای دریافت معوقات بررسی می‌کنند، نه تنها به حل مسئله کمک نمی‌کند، بلکه بر حجم نگرانی‌ها و پرسش‌ها نیز می‌افزاید.

وعده وزیر باید به حساب همه بازنشستگان برسد

احمد میدری می‌گوید معوقات بازنشستگان به ترتیب حروف الفبا در حال واریز است، اما اظهارات رئیس کانون بازنشستگان تهران نشان می‌دهد که دست‌کم تاکنون تنها بخش محدودی از بازنشستگان مطالبات خود را دریافت کرده‌اند.

اکنون مسئله اصلی، صرفاً اثبات آغاز پرداخت نیست؛ معیار اصلی، سرعت مناسب پرداخت، تکمیل واریزها و

رسیدن معوقات به حساب همه بازنشستگان مشمول است. وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی باید به طور شفاف اعلام کنند که روند پرداخت اکنون در چه وضعیتی قرار دارد، آیا وقفه‌ای در آن ایجاد شده و مهم‌تر از همه، بازنشستگانی که هنوز معوقات خود را دریافت نکرده‌اند، دقیقاً تا چه زمانی باید منتظر بمانند.

برای بازنشسته‌ای که ماه‌ها چشم‌انتظار مطالبات خود بوده، خبر اصلی این نیست که پرداخت از کدام حرف الفبا آغاز شده است؛ خبر اصلی زمانی است که معوقات از چند حرف ابتدایی عبور کند و سرانجام به حساب همه بازنشستگان برسد.

فقط این نیست که کالا در فروشگاه و بازار نباشد، گاهی کالا هست، اما مردم قدرت خرید آن را ندارند؛ امروز برای بخش بزرگی از جامعه، عملاً غذا و دارو در دسترس نیست؛ وقتی قیمت یک شانه تخم مرغ، میلی بیش از دستمزد روزانه یک کارگر است، بگفتن اینکه «کالا به وفور هست» به نوعی به سرخه گرفتن اجتماع است. در قطعی ستنی، کالا نبود و مردم نمی‌توانستند اما قیمت آن به حدی رسیده که مردم توان خرید ندارند.

او ادامه داد: پس مسئله فقط «وجود کالا» نیست، مهم‌تر از وجود کالا، قدرت خرید مردم و امکان دسترسی واقعی به کالاهاست. با ما هانه ۲۰ تا ۱۶ میلیون تومان چه اندازه می‌توان خرید کرد؟ آیا مسئولان و مقامات حاکمیت یک‌بار از خود پرسیده‌اند چرا تعداد تراکنش‌های بانکی ماهانه مردم ۱۰۳ میلیون کمتر شده و اکثر تراکنش‌ها زیر ۶۰۰ هزار تومان است!

رنجبری می‌افزاید: قطعی را فقط با موجودی انبارها نمی‌سنجند، قدرت خرید مردم هم بخشی از چرخه دسترسی به کالا است؛ مسئولان باید «امنیت غذایی مردم» را تأمین کنند اما در عوض با تصمیمات غلط انقباضی و نئولیبرالی، فرودستان و طبقه متوسط را هر روز بیشتر دچار محرومیت می‌سازند.

امروز «مزدبگیران» توان دسترسی به کالاهایی را ندارند که در قفسه‌های فروشگاه‌ها به وفور یافت می‌شود؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست.

فقط مواد غذایی در سفره‌ها و یخچال‌های مردم، محصول سیستمی است که برون‌داد معیشتی آن، فقیرترسازی شاغلان و افول هر روزه سطح زندگی طبقه کارگر است؛ تخم مرغی که ۱۴۰ سال قبل در زمانه «ابراهیم صحاف‌باشی» حداقل برای بخش عظیمی از مردم، ابدأ شانی نداشت و کنار سفره‌ها به وفور یافت می‌شد، حالا دور از دسترس است؛ پول هرشانه تخم مرغ بیشتر از دستمز یک روز کارگر است.



کالا به وفور یافت می‌شود؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست.

کالا به وفور یافت می‌شود؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست. مردم نیاز به پول دارند؛ پولی برای خرید در جیب‌های مردم نیست.